

# سالهای شطرنج سیاسی

## جامعه‌شناسی سیاسی پدیده دوم خرداد شهلا امینی‌فر

▲ آستانه نهمین انتخابات ریاست جمهوری در ایران مشحون از بحث‌ها و رویکردهای متنوع فکری و سیاسی است که باعث تعمیق مباحث روز می‌شود و با ارائه تحلیل‌های تاریخی و جامعه‌شناختی چراغ راه آینده را فروزانتر می‌نماید. اکنون که هشت سال از عمر پدیده‌ای به نام دوم خرداد می‌گذرد و روزهای آینده می‌رود تا شاید مرحله جدیدی را در مقابل تاریخ انقلاب اسلامی بگذارد، نگاهی از سر حوصله به پشت‌سر برای هرگونه تصمیم‌گیری در خصوص حوادث آتی الزامی و اساسی است.

وقت آن است که این هشت سال با تمامی ضعفها و قوت‌هایش مورد بازکاوی قرار گیرد تا چهار - یا هشت - سال آینده شفافتر دیده و ساخته شود. مقاله حاضر کوششی در این راستا می‌باشد که تقدیم شما می‌گردد.

### حماسه دوم خرداد

بدون تردید در دوم خردادماه سال ۱۳۷۶ حماسه مردمی بزرگی در ایران رخ داد؛ اما چرا این واقعه، حماسه لقب گرفت؟ آیا این عنوان به‌خاطر رای آوردن فردی خاص و افکار و شعارهای او و حامیانش به این واقعه اطلاق گردید یا به‌خاطر مغلوب شدن رقبای وی بود و یا علت واقعی آن است که تحولی بزرگ در کشور رخ داد و... در یک نگاه دقیق، آشکار و مسلم است که نه افکار و شعارهای رئیس جمهور جدید و گروه‌های پشتیبان او آن قدر نو، عمیق، متقن و نظام‌مند بود و نه شکست دادن رقیب در یک فضای احساسی کار دشواری به حساب می‌آید و نه این واقعه تحولی بزرگ محسوب می‌شود، بلکه آنچه دوم خرداد را به حماسه بدل ساخت، عظمت حضور باشکوه بیست و نه میلیون ایرانی بود که با گذشت بیست سال از زمان پیروزی انقلاب اسلامی توسط آراء خود، مجدداً به استمرار مقتدرانه جمهوری اسلامی رای دادند. کشور طی این

درون حاکمیت و اعمال قدرت آنها به‌صورت غیرقانونی در عرصه‌های مختلف و به‌ویژه در امور اقتصادی.

### ب: عوامل مستقیم

۱- تمایل مردم ایران مبنی بر سپردن امور کشور پس از هر دوره هشت ساله به جناح‌های مختلف به امید ایجاد تحول.

۲- ورود طیف محدودی از اقشار بی تفاوت و یا غربگرا در انتخابات به نفع خاتمی با امید ایجاد اصلاحاتی در مسیر افکار و خواسته‌هایشان.

۳- ایجاد یک فضای احساسی بزرگ در اثر فشارهای جناح رقیب به خاتمی برای شکست یا تسلیم شدن در انتخابات.

این موارد از جمله عواملی بود که میان شایعه و واقعیت، و با سهم‌های متفاوت، در آن مقطع در چشم بسیاری از مردم بزرگ‌تر و مهم‌تر از خدماتی جلوه می‌کردند که دولت سازندگی طی هشت سال در کشور و به‌ویژه در مقطع بحرانی پس از جنگ انجام داد.

### آیا خاتمی می‌توانست؟

برای بخش معتنابهی از کسانی که به کاندیدای پیروز رای دادند، هیچ اطمینان خاطر و باور صددرصدی نسبت به توانایی او برای رفع مشکلات کشور وجود نداشت. خاتمی به پشتوانه یک حزب هدفمند و یا با تفکر و برنامه‌ای پخته به میدان رقابت نیامده بود و تمام حامیان وی نیز چهره‌های تازه‌ای در میان دولت‌مردان ایران محسوب نمی‌شدند. جالب است بدانیم که جز اعضای جناح چپ سنتی و مدرن، نوددرصد از حامیان مادی و معنوی خاتمی همان کسانی بودند که طی این سالها در دو دولت قبلی از جایگاه مهمی برخوردار بودند و در خوب و بد عملکرد رئیس جمهور دوران سازندگی کاملاً شریک و سهمیم به حساب می‌آمدند؛ به‌ویژه گروه کارگزاران سازندگی که بیشترین سرمایه‌گذاری مادی را برای

مدت نیازمند جهشی برای رسیدن به اهداف موردنظر انقلاب اسلامی بود و اکثریت رای‌دهندگان خواستار این جهش در مسیر استمرار جمهوری اسلامی بودند.

### چرا خاتمی؟

سیدمحمد خاتمی، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس کتابخانه ملی، دارای لیسانس فلسفه و تحصیلات میانی حوزوی، تا سال ۱۳۷۶ از محبوبیت و شهرت چندانی برخوردار نبود و از سوی دیگر آراء فکری، فرهنگی و سیاسی مستقل و منسجمی نداشت که بتواند پیروزی خود را در برابر علی‌اکبر ناطق‌نوری، روحانی مشهور دهه دوم انقلاب، پیش‌بینی کند. چه‌بسا امکان پیروزی در این انتخابات، قبل و حتی در اوایل نامزدی خاتمی برای خود وی نیز بعید به‌نظر می‌رسید، اما حقیقتاً چه عوامل مستقیم و غیرمستقیمی موجبات پیروزی او را فراهم کرد؟ در تاملی دقیق، شاید بتوان عوامل زیر را بر این مساله مرتب داشت:

### الف: عوامل غیرمستقیم

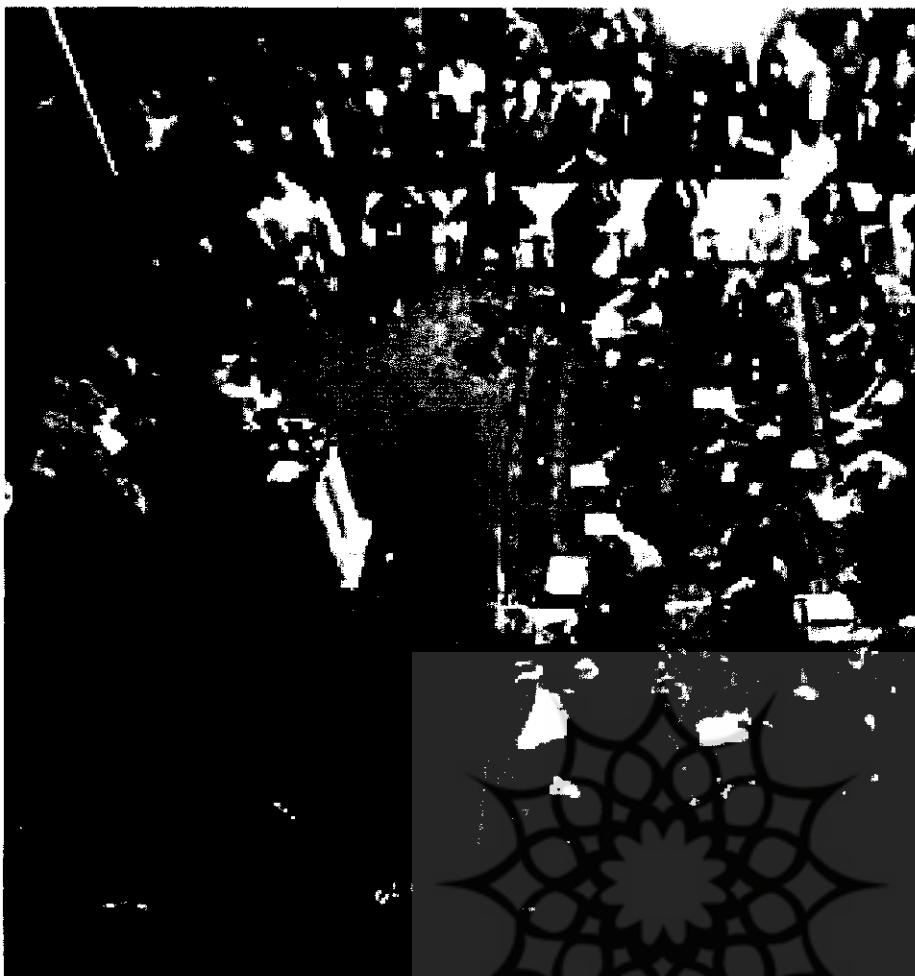
- ۱- فشار اقتصادی، که بر اثر پیامدهای جنگ تحمیلی هشت ساله و نیز برخی سیاستهای توسعه اقتصادی دو دوره مدیریت هاشمی‌رفسنجایی و جناح وی بر اقشار متوسط کشور وارد می‌شد و نیز بیم از استمرار این فشارها در صورت تداوم مدیریت قبلی بر کشور (فقدان یک چشم‌انداز امیدبخش)
- ۲- ظهور و بروز بستر فساد اقتصادی و ایجاد فاصله طبقاتی در میان مردم از رهگذر چراغ سبز یا غفلت قوای سه‌گانه در هشت سال مدیریت دو دولت قبلی
- ۳- نابسامانی فرهنگی و اتخاذ سیاستهای غیرشفاف و یک‌بام و دو‌هوا از سوی دولت پیشین در مقوله‌های فرهنگی و افراط و تفریط از سوی مجریان در بسیاری عرصه‌ها.
- ۴- شکل‌گیری تدریجی باندهای قدرت فراقانونی در

ناشران، محافل و مطبوعات موسوم به زنجیره‌ای که در مواجهه با ناکامی‌شان در نفوذ به صدا و سیما و برخی دیگر از سازمانهای خارج از قلمرو دولت، و با بهره‌گیری از فضای فرهنگی - سیاسی حاکم بر آن مقطع، مجال ظهور یافته بودند، فرمان قطار را به دست گرفتند و دولت اصلاحات را به دنبال خود کشیدند

انتخابات دوم خرداد نموده بود، در واقع بدنه اصلی دولت هاشمی‌رفسنجانی محسوب می‌شدند. اما برای بسیاری از رای‌دهندگان آنچه اهمیت داشت، نفس تغییر و برسرکار آمدن فرد و تیمی بود که با سیاستهای جناح حاکم مخالفت می‌نمود و احتمال رفع مشکلات از سوی او وجود داشت. و جالب آنکه شدیداً در یک مبارزه سخت انتخاباتی خود را در جایگاه مظلوم قرار می‌داد و اتفاقاً به همین دلیل و نیز اشتباهات پی‌درپی حامیان علی‌اکبر ناطق‌نوری محبوبیت او روز به روز بیشتر می‌شد.

### شعارهای خاتمی

در یک بررسی دقیق و منطقی به نظر نمی‌رسد شعارهای خاتمی برای مردم ایران از تازه‌گی خاصی برخوردار بوده باشد. حتی برخی از سخنان وی، چه قبل از انتخابات و چه پس از آن، پارادوکسیکال و بسیار عجیب به نظر می‌رسید. باین وجود، بخشی از این شعارها از ادبیات جدید و جوان‌پسند بهره می‌برد و البته بخشی دیگر، به‌ویژه شعارهای جامعه مدنی، دموکراسی، آزادی، خشونت و مدارا و اصلاح طلبی، ترجمه برخی شعارهای قدیمی و کلاسیک غربی و یا متأثر از فضایی بودند که غرب طی ربع قرن اخیر در بسیاری نقاط در حال توسعه ایجاد نموده بود.<sup>۲</sup>



### برنامه خاتمی

در طول مدت انتخاب آقای خاتمی به عنوان رئیس‌جمهور تا زمان تنفیذ حکم ریاست جمهوری وی از سوی رهبر انقلاب، گروه خاصی از طرفداران رئیس‌جمهور جدید با همکاری مطبوعات آن مقطع که بعداً به مطبوعات زنجیره‌ای مشهور شدند، مانور تبلیغاتی وسیعی را برگزار کردند و طی آن این گونه وانمود شد که یکی از علمی و کارشناسی‌ترین دولت‌ها طی سده اخیر در ایران ظهور خواهد کرد و از این پس دانشمندان ایرانی و دانشگاهها و به عبارتی عناصر شایسته‌ترین نقش را در اداره امور کشور برعهده خواهند داشت.<sup>۳</sup> حتی درباره انتخاب اعضای کابینه، لیستهای طولیلی با شعار دولت فراجناحی و شایسته‌سالار تهیه و به مردم عرضه شد؛ اما حاصل کار برخلاف تصورات قبلی، کابینه‌ای نه‌چندان منطبق با این شعارها و البته قابل پیش‌بینی بود که به مجلس معرفی شد. اما جالب است بدانیم که دولت جدید پس از آغاز به کار هیچگاه برنامه منسجم و نظام‌مندی برای تحقق شعارهای خود به مردم ارائه نکرد و با به‌حاشیه‌رفتن بیش از پیش دانشگاهها، برنامه دوره‌های پیشین با کمی تغییر مجدداً در دستور کار قرار گرفت.

### توسعه اقتصادی در حاشیه

نمی‌توان انکار کرد که با تشکیل کابینه و دولت جدید پس از تحولات دوم خرداد ۱۳۷۶ برنامه توسعه اقتصادی دولت دوران سازندگی از متن به حاشیه رانده شد. حقیقت آن است که با وجود انکارهای مکرر، اولویت کشور از مسیر توسعه و سازندگی کشور به تحولات سیاسی سوق داده شد.

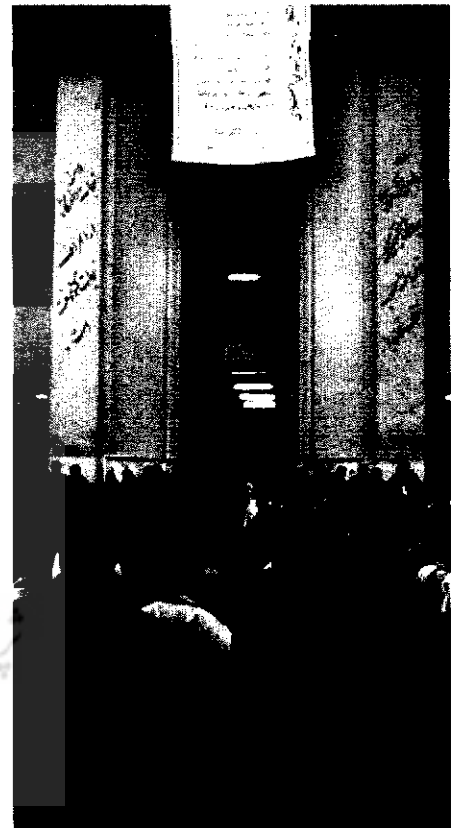
### مصادره دوم خرداد

پاسخ به این سوال که چه کسانی به ریاست جمهوری آقای خاتمی رای دادند، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. بسیاری از مطبوعات زنجیره‌ای که در آن مقطع تلاش می‌کردند رای‌دهندگان به خاتمی را با تمام سیاستهای خود موافق جلوه دهند، همواره از پاسخ به این پرسش طفره می‌رفتند که رای‌دهندگان به آقای خاتمی به کدام سیاست یا برنامه ایشان رای داده‌اند و آیا گروههای جدیدالتاسیس مدعی شراکت در حماسه دوم خرداد که پس از انتخابات یکی پس از دیگری با سرمایه‌های مجهول تاسیس شدند و منویات خود را به نام جنبش دو خرداد دنبال کردند، نیز از رای موافق رای‌دهندگان برخوردار بودند یا خیر؟ همچنین آیا کسانی که به خاتمی برای حفظ و ارتقاء انقلاب رای داده‌اند، تفکرات اقلیت حاکم بر جریان

موسوم به دوم خرداد را نیز می‌پذیرند. درحالی‌که آنها از حماسه باشکوه حضور مردم در صحنه صرفاً در راستای پیشبرد منافع سیاسی خود و انتقام‌گیری از جناحهای مخالف خود بهره‌برداری کردند؟

### اپوزیسیون امیدوار و فرهنگ زنجیره‌ای

با پیروشدن جناح موسوم به دوم خرداد و طرح برخی شعارها در این دوره، اپوزیسیون و عناصر مطرود که تا قبل از آن به ورود مجدد به صحنه قدرت هیچ امیدی نداشتند با عدم درک ماهیت اصلی حرکت مردم در دوم خرداد، خود را به قطار دوم خرداد آویزان نموده و بارها تلاش کردند تا مسیر این قطار را کاملاً به سمت اهداف خود تغییر دهند. با ورود آنها به صحنه و تحمیل سیاست تخریب و



سرنوشت امنیتی انقلاب و جمهوری اسلامی را نیز در دستور کار خود قرار دادند؛<sup>۴</sup> چنان‌که شخص رئیس‌جمهور پیشین نیز که کارگزاران او، خدمات بزرگی در مسیر موفقیت گروه موسوم به دوم خرداد نموده بودند، از هجمه عناصر تندرو در امان نماند.<sup>۵</sup>

### اقدام هوشیارانه

با بفرنج شدن اوضاع به دست عناصر تندرو در مطبوعات زنجیره‌ای که برخی عناصر غربگرا نیز به آنها نفوذ کرده بودند، یک بار دیگر رهبر انقلاب به موقع و هوشیارانه اقدام کرد و کشور را از یک آسیب جدی، که این بار با حضور و دخالت جسورانه دشمنان بیگانه ابعاد تازه‌ای به خود گرفته بود، نجات داد. فرمان رسیدگی قوه قضائیه به جرایم مطبوعاتی عناصر افراطی، به تعطیلی و توقیف قانونی بسیاری از محافل تفرقه و توطئه منجر شد و کشور از هیاهوی وسیع و جنجالهای بی‌فایده رهایی یافت. این اقدام همچنین کمک کرد دولت جدید نیز بیش‌ازپیش در مسیر انقلاب قرار گیرد و خطر احتمالی انحراف از اصول انقلاب اسلامی را از سر بگذرانند.

### محاکمه شهردار، قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه کوی دانشگاه

هنوز چند ماهی از آغاز دوره نخست ریاست جمهوری آقای خاتمی نگذشته بود که کشمکشهای سیاسی جناحهای مختلف متوجه شهردار وقت تهران شد. او که در دولت سازندگی از قدرت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود ساماندهی کلان‌شهر تهران را جزو افتخارات خود می‌دانست. مردم نیز که سالها بود تجربه شهردار مقتدری را نچشیده بودند، بدون توجه به بهایی که کرباسچی برای آبادانی تهران می‌پرداخت او را بر هر کس دیگری ترجیح می‌دادند. این موضوع که به خودی خود ارتباط ویژه‌ای با ماجرای دوم خرداد نداشت، موجب شد به‌رغم پرونده ضخیم شهردار تهران در دادگاه محاکمه وی به نقطه ابتکار عمل مطبوعات زنجیره‌ای جهت تخریب جناحها و گروههای مخالف تبدیل شود و شهردار معزول ماههای حبس در زندان را با افتخار تحمل کند. محاکمه عبدالله نوری، چهره سرشناس چپ و اولین وزیر کشور دولت خاتمی، یکی دیگر از وقایع این مقطع به‌شمار می‌رود. گرچه مطبوعات زنجیره‌ای تلاش خود را برای تثبیت چهره نوری مصروف داشتند، اما گردش وی از برخی مواضع اصولی انقلاب - از جمله مسأله فلسطین - به حدی واضح می‌نمود که جای توجیه حتی برای طرفدارانش باقی نگذاشت. البته وی به‌زعم خود، قربانی دیگری تلقی می‌شد که برای دوم خرداد به زندان می‌رفت.<sup>۶</sup>

افشای قضیه قتل‌های زنجیره‌ای از سوی برخی عوامل وزارت اطلاعات از دیگر وقایع تلخی بود که به صحنه انتقام‌گیری اپوزیسیون از نظام تبدیل شد. گرچه هرگونه مبادرت یا مساعدت به قتل با هر عذر و دلیلی خارج از چارچوب قانونی، حرام شرعی و جرم محسوب می‌شود، ولی تبدیل شدن این قضیه به یکی

از معضلات امنیت ملی کشور بسیار عجیب و قابل تامل به نظر می‌رسید؛ به‌ویژه آن‌که انتساب عاملان و معاونان قتل به جناح مقابل، هیچگاه ثابت نشد و شبهه طراحی این سناریو از سوی عوامل ناشناس برای تخریب چهره جناح اصول‌گرا همچنان به قوت خود باقی ماند.<sup>۷</sup>

از حوادث دیگری که در این هشت سال و در دوره اول ریاست جمهوری آقای خاتمی کشور با آن مواجه شد، ماجرای تلخ موسوم به کوی دانشگاه بود که طی آن، یک تجمع ساده و کوچک دانشجویی به معضل بزرگ و دردناک ملی بدل گردید و پای منافقان و دشمنان قسم‌خورده انقلاب را برای ایجاد یک بلوای بزرگ سیاسی و دامنه‌دار به کشور باز نمود. گرچه این حادثه در همان ساعات اولیه وقوع می‌توانست با حسن تدبیر وزارت کشور به‌عنوان مسئول تامین امنیت کشور و نیز وزارت علوم به‌عنوان مسئول امور دانشجویی کشور خاتمه یابد، اما شاید عوامل ناشناخته‌ای مانع از خاتمه‌یافتن سریع این ماجرا شدند؛ چنان‌که کشور با یک هفته التهاب سیاسی روبرو گشت. اما این بار نیز هوشیاری رهبر انقلاب و حضور باشکوه مردم در صحنه، این ماجرا را به عامل تحکیم و انسجام وحدت ملی و ارتقاء امنیت کشور بدل ساخت.<sup>۸</sup>

### ترور حجاریان

ترور سعید حجاریان، رئیس اسبق شورای شهر تهران، که از او به‌عنوان تئوریسین و متفکر پشت پرده دوم خرداد نام برده می‌شد، حادثه تلخی بود که می‌بایست آن را در چارچوب قاعده تلخ تندروی در برابر تندروی تفسیر نمود. این اقدام نابخردانه و مجرمانه که به نام دین‌خواهی صورت گرفت، برای دین و انقلاب جز ضرر هیچ حاصلی در بر نداشت؛ اما آنچه در این میان قابل توجه است، عدم درس‌گرفتن هر دو گروه از تندروی و ایجاد فضای پرهیاهو و تنش‌زا بود. بدین ترتیب پس از این واقعه جنجال گسترده‌ای از سوی عوامل تندرو در مطبوعات زنجیره‌ای و شبکه‌های تبلیغی غرب برای پیشبرد پروژه انتقام‌گیری از انقلاب اسلامی دنبال شد و حتی علما و بزرگان حوزه نیز از تهمت و افترا مصون نماندند.<sup>۹</sup>

### تندروی حاصل تندروی

تندرویهایی برخی عناصر افراطی در جناح موسوم به دوم خرداد که از حماسه دوم خرداد فقط نام آن را یادک می‌کشیدند و حتی بی‌محابا با پشتیبانی محافل غربی، عقاید اسلامی و ارزشهای انقلابی را نیز مورد هجمه شدید قرار داده بودند، به‌طور طبیعی با مقابله طیفهای خاصی از مردم مواجه شد و بدین شکل آتش نفاق و درگیریهای بی‌ثمر سیاسی و فرهنگی در کشور شعله‌ور گشت.

### حمله به شورای نگهبان

صرف‌نظر از ضعف آشکار مدیریت شورای نگهبان در توجیه اقدامات قانونی خود و اتخاذ برخی سیاستهای نادرست در مواجهه با قانون‌شکنان، حمله

ترور فرهنگی جناح اصول‌گرا، دوم خرداد پویایی و مسیرش را تاحدزیادی تغییر داد. ناشران، محافل و مطبوعات موسوم به زنجیره‌ای که در مواجهه با ناکامی‌شان در تسلط بر صدا و سیما و برخی دیگر از سازمانهای خارج از قلمرو دولت، و با بهره‌گیری از فضای فرهنگی - سیاسی حاکم بر آن مقطع، مجال ظهور یافته بودند، فرمان قطار را به دست گرفتند و دولت اصلاحات را به دنبال خود کشیدند. برای ناشران و مطبوعات زنجیره‌ای که فصل انتقام فرارسیده بود، تنها چیزی که می‌توانست آنان را ارضا کند، تخریب و عبور از تمامی چارچوبها و زیرپا گذاشتن خطوط قرمز بود. این عده کار را تا بدانجا پیش بردند که بازی پنهان و آشکار با

مدعیان قانون‌گرایی با طرفداری دشمنان خارجی به یکی از ارکان قانون اساسی برای هموارساختن راه ورود عناصر ناصالح به مراجع عالی قانون‌گذاری کشور کاملاً مشهود بود؛ چنان‌که در مقاطعی تضعیف جایگاه شورای نگهبان به یکی از اهداف اصلی مطبوعات زنجیره‌ای بدل گردید و برای تحقق این امر از هیچ‌گونه دروغ و شایعه‌سازی علیه شورای نگهبان دریغ نشد؛ به‌گونه‌ای که باید گفت این شورا پس از انقلاب اسلامی در کل در دو مرحله مورد حمله شدید قرار گرفت و آن همانا در دوران مجلس ششم و نیز ایام انتخابات پیش از مجلس هفتم بود.

### فشار به قوه قضائیه

فشار به قوه قضائیه که استقلال آن از جناحهای سیاسی جزو افتخارات نظام جمهوری اسلامی به‌شمار می‌رود، از پروژه‌های جناحهای تندروی فعال پس از دوم خرداد محسوب می‌شود. آنان با شایعه‌پراکنی و دروغ‌سازیهای گسترده علیه این قوه در طول این هشت سال، همواره سعی کردند قوه مذکور را در غبار ناشی از سیاست‌زدگی حاکم بر موقعیت بحرانی کشور، از اعمال قانون علیه متخلفان بازدارند؛ اما با همه این اوصاف، مسئولان این قوه توانستند مقتدرانه با تحمل فشارها و البته پرداختن بهایی سنگین همچنان به وظیفه قانونی خود عمل نمایند.

### این بار رسانه ملی

عدم تسلط بر صداوسیما ایران - که بزرگ‌ترین و فراگیرترین قدرت رسانه‌ای کشور محسوب می‌شود - به‌نظر غیرقابل تحمل می‌نمود. پس از یک دوره فشار تبلیغی و دروغ‌پردازی علیه این سازمان که بر مواضع اصولی انقلاب پافشاری می‌کرد، مجلس ششم در اقدامی عجیب با کاهش شدید بودجه این سازمان، فصل تازه‌ای را برای ازپادآور شدن مدیریت آن ایجاد نمود و سازمان را در تعقیب رسالت قانونی خود با معضلات متعددی مواجه کرد. اما این سازمان با اتخاذ روشهای مدیریت بحران و صرفه‌جوییهای گسترده که به پخش گسترده برنامه‌های تکراری نیز منجر شد، خود را از این بحران بزرگ نجات داد. باید توجه داشت که اختلال در امور سازمان صداوسیما به‌عنوان یکی از مهمترین مراکز فرهنگی و تربیتی کشور، اقدام عجیب و قابل تاملی بود که در کارنامه مجلس ششم ثبت گردید.

### پروتستانیسیم اسلامی!

اعضاء حلقه موسوم به کیان که هنوز هم با خوش‌خیالی پیدایش دوم خرداد را مرهون تلاش خود می‌دانند، پس از دوم خرداد به این فکر افتادند که این واقعه فرصت خوبی را در راستای تشدید شریعت‌گریزی و استقرار سکولاریسم جدید در ایران در اختیار آنان می‌گذارد. آنها تصور کردند که دیگر همه چیز تمام شده و با ورود آنها به صحنه

قدرت، پروژه غربی سکولاریزاسیون در ایران به پیروزی رسیده‌است و لذا با ورود به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سعی کردند با ادامه سرقت آثار روشنفکران عرب و تعدادی از متفکران غربی و انتشار آن به‌نام روشنفکر دینی شانس خود را آزمایش کنند. در واقع واگذاری دهها پروانه نشر و مجله، رفع توقیف از صدها کتاب توقیف شده و یا نامطلوب (و برنامه صوتی - تصویری)، اخذ تسهیلات برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی و دهها امتیاز دیگر را که در وزارت ارشاد باب آن باز نگاه‌داشته شد، باید از هدایای مصادره‌کنندگان دوم خرداد به حلقه‌های فکری و فرهنگی اپوزیسیون برای پیگیری پروژه سکولاریزاسیون در ایران به‌شمار آورد. هرچند وزارت ارشاد با به‌راه‌انداختن نمایش‌های اسلامی در هر سال قصد راضی نگاه‌داشتن مردم را نیز داشت ولی در سالهای پایان دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی، باطن این اقدامات برای اغلب هم‌میهنان روشن شده بود.

### تضعیف جایگاه ولایت فقیه

گرچه تضعیف ولایت فقیه به‌عنوان ستون اصلی بقا و حیات انقلاب اسلامی تازه‌گی نداشت، اما این بار تلاش به‌ظاهر تئوریک برخی عناصر کم‌مایه گام تازه‌ای برای مقابله با ولایت فقیه به‌شمار می‌رفت. این اقدامات همگی در حالی صورت می‌گرفت که پاسخ قاطع علمی به گفته‌های به‌ظاهر تئوریک آنها از سوی متفکران انقلاب آسان‌تر از اقدامی بود که قوه قضائیه با زندانی کردن آنها مرتکب آن شد. در عین حال، با همه تلاش این گروه و بقایای مطبوعات زنجیره‌ای برای تبدیل عناصر زندانی به قهرمانان ملی، امروز کسی جز خود آنها و دوستان غربیشان نمی‌تواند آنها را قهرمان تصور کند.<sup>۱۱</sup>

### تحقیر روحانیت

روحانیت در طول تاریخ همواره مانع اصلی حضور بیگانه و تضعیف استقلال کشور و نیز مخدوش شدن ارزشهای انسانی و الهی در کشور قلمداد شده و از این بابت بهای سنگینی را پرداخته است. در طی این هشت‌سال نیز روحانیت مورد هجوم شدید عناصر تندروی متولدشده پس از دوم خرداد قرار گرفت و از تیرهای تحقیر و تمسخر روشنفکرانها خلاصی نیافت. گرچه صدور حکم اعدام برای فردی که به برخورد موهن با مقدسات و نیز توهین به روحانیت و مراجع تقلید متهم شده بود، منطقی و مناسب به‌نظر نمی‌رسید، اما به‌رحال وی و همفکرانش در صدد نهادینه‌سازی جریان تازه‌ای بودند که به تضعیف جدی جایگاه روحانیت در ایران منجر می‌گردید و پروژه غربی تضعیف روحانیت در ایران را وارد مرحله تازه‌ای می‌ساخت.<sup>۱۱</sup>

در نهایت باوجود جنجال جدیدی که در حواشی ماجرای آقاجری صورت گرفت، عکس‌العمل سرد مردم به مظلوم‌نمایی وی پاسخ دیگری به عملکرد غیرمنطقی جناح تندرو دوم خرداد بود.

**حقیقت آن است که آقای خاتمی به پشتوانه یک حزب هدفمند و با تفکر و برنامه‌ای پخته به میدان رقابت نیامده بود و تمام حامیان وی نیز چهره‌های تازه‌ای در میان دولت‌مردان ایران محسوب نمی‌شدند**

**شعارهای جامعه مدنی، دموکراسی، آزادی، مدارا و اصلاح طلبی، ترجمه برخی شعارهای قدیمی و کلاسیک غربی و یا متأثر از فضایی بودند که غرب طی ربع قرن اخیر در بسیاری نقاط در حال توسعه ایجاد نموده بود**

**نمی‌توان انکار کرد که با تشکیل کابینه و دولت جدید پس از تحولات دوم خرداد ۱۳۷۶ برنامه توسعه اقتصادی دولت دوران سازندگی از متن به حاشیه رانده شد. حقیقت آن است که باوجود انکارهای مکرر، اولویت کشور از مسیر توسعه و سازندگی کشور به تحولات سیاسی سوق داده شد**

## گفت‌وگوی تمدن‌ها

گفت‌وگوی تمدن‌ها از جمله شعارهایی بود که با الهام از نظریه پلورالیسم دینی طراحی شده بود و خاتمی سعی داشت تا با اعلام آن در برابر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون، این شعار را به عاملی جهت نزدیک شدن به اروپا و کاهش فشارهای آمریکا به کشور تبدیل کند، ولی شانس همراه وی نبود و در سالی که از سوی سازمان یونسکو به گفت‌وگوی تمدن‌ها نام گرفت، حادثه مشکوک یازده سپتامبر و پیامدهای آن، هانتینگتون را عملاً برنده این رقابت کرد و ایران را برخلاف انتظار خاتمی در چشم آمریکا همچنان مغضوب نگاهداشت. گرچه شعار گفت‌وگوی تمدن‌ها فاقد هرگونه پشتوانه تئوریک بود ولی در پیشبرد سیاست‌های خارجی دولت دوم خرداد تا حد زیادی مفید بود.<sup>۱۲</sup>

تشکیل مرکز گفت‌وگوی تمدن‌ها با بودجه چند میلیارد تومانی از جمله اقداماتی بود که جناح دو خرداد برای زنده نگاهداشتن این شعار در داخل و خارج انجام داد ولی به سرعت این مرکز نیز به یکی دیگر از مراکز ترویج برخی دیدگاه‌ها و عناصر غربگرا تبدیل شد و در آخر با بی‌سرنجامی تعطیل شد.

## شعار تا کجا؟

شاید برخی با اطلاق عنوان دولت شعار، بر دولت اصلاحات چندان موافق نباشند اما بجا و شایسته است که به این پرسش پاسخ داده شود که چرا شعارهای دولت هیچگاه به مرحله عمل نزدیک نشد و مردم امیدوار را بارها عصبانی و ناامید کرد؟

## عصبانیت اپوزیسیون

با همه تلاش اپوزیسیون از یک سو و عوامل کم‌تعداد و بی‌پشتوانه غربگرا در داخل و خارج کشور از دیگر سو، برای بهره‌گیری از موقعیت آقای خاتمی در راستای مقابله با مجموعه نظام و انقلاب اسلامی، شخص رئیس‌جمهور با پایبندی به بسیاری از اصول و حفظ ارتباط خود با رهبر انقلاب بارها دولت خود را از خطر نجات داد و خود را به هسته مرکزی انقلاب نزدیک نمود؛ تاجایی که این پافشاری خاتمی برای حفظ بسیاری از اصول انقلاب، عناصر تندروی دوم خرداد، اپوزیسیون و به‌ویژه غرب را عصبانی نمود و آنها را به سمت افشای ماهیت واقعی خود مجبور کرد؛ به گونه‌ای که خاتمی نیز تدریجاً مغضوب واقع شد و از هجمه‌های آنها بی‌نصیب نماند.

## ثمرات دوم خرداد

برخلاف تصور رایج، واقعه دوم خرداد و حضور چشمگیر مردم در آن چندان هم بی‌ثمر نبوده‌است. شاید مهم‌ترین ثمره این هشت سال، تفکیک طبیعی میان نیروی خدمت‌رسان و منفعت‌طلب و نیز درک خطاهایی بود که سایر جناح‌ها طی دوره‌های متوالی مدیریت مرتکب شده بود؛ ضمن آن که شعار قانون‌گرایی، قدرت باندهای فراقانونی را که قبل از دوم خرداد کشور را ملک مطلق خود می‌دانستند و آسوده

از هر تعرض و اعتراضی به تعقیب اهدافشان مشغول بودند، به انفعال کشاند و این افراد و گروه‌ها را از جسارت سابق ساقط کرد. هرچند برخی از عوامل جناح حاکم پس از دوم خرداد خود گوی سبقت را در قانون‌گریزی از دیگران ربودند، اما به‌رحال تفاوت کشور در دوران قبل و بعد از دوم خرداد از این جهت غیرقابل انکار است.

## نقطه عطف شوراها

با وجود امید فراوان گروه حاکم بر دولت و مجلس جهت تداوم حضور در شوراهای اسلامی شهر و روستا - که برای بسیاری از آنها حکم سکوی پرتاب و میتینگ سیاسی را پیدا کرده بود - مردم با اظهار خستگی از روند این شوراها که بیشتر به نوعی غوغای سیاسی و سوءاستفاده از امکانات شهرداریها جهت اغراض سیاسی مبدل شده بود، با هوشیاری هرچه تمام‌پرونده حضور جناح حاکم پس از دوم خرداد را در قدرت بستند و بدین شکل و در اوج ناباوری زمینه حضور اصولگرایان جدید در صحنه قدرت و خدمت‌رسانی فراهم گردید. این گروه جدید در واقع اصولگرایان جوانی بودند که به جناح راست شباهت نداشتند و بیش‌ازهرچیز دغدغه رفع مشکلات کشور و آبادانی را در سر می‌پروراندند.

## آوردگاه مجلس هفتم

ورود اصولگرایان به اکثر شوراهای اسلامی شهر و روستای کشور و خدمات وسیع و مخلصانه بسیاری از شوراها و شهرداران شهرهای بزرگ - و از جمله تهران - موجب گشت تا مجلس نیز با وجود جنجال‌های تبلیغاتی فراوان، از کنترل جناح دوم خرداد خارج شود. به‌هرحال، تندررها که در پرده آخر، جنگ تمام‌عیاری را علیه قانون‌گرایی شورای نگهبان به راه انداخته بودند، با وجود ایجاد یک اعتصاب سیاسی بی‌پشتوانه در مجلس و تهدیدات فراوان علیه جناح اصولگرا، نتوانستند مردم را از انتخاب خود منصرف کنند.

## چرا وداع با دوم خرداد؟

با شرحی که از ماجرا گذشت، ناکامی جناح دو خرداد در هشت سال اخیر نیاز به توضیح تفصیلی ندارد و ظهور مجدد آن با سیاست‌های قبلی تقریباً امر محالی به نظر می‌رسد. درعین حال مجموعه عواملی که می‌توان به‌عنوان شکست جناح دو خرداد برشمرد عبارت است از:

۱. فریه‌سازی جریان‌های سکولاریستی و غربگرا که تهاقت با هویت ملی ایرانیان در بینش و منش آنها کاملاً هویدا بود.
۲. همسوی بودن سیاست‌های برخی گروه‌های تندروی منتسب به دوم خرداد با سیاست‌های ضدانقلاب و بیگانگان در قبال انقلاب اسلامی.
۳. ایجاد جو سیاست‌زدگی، تنش و تفرقه از سوی گروه‌های تندرو و رسانه‌های زنجیره‌ای.

۴. بی‌ثباتی در مدیریت کشور به‌ویژه عرصه‌های اقتصادی و نگرانی مردم از سرنوشت کشور در این عرصه
۵. شعارزدگی شدید و بازی با احساسات مردم به‌ویژه جوانان در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی.
۶. عدم رفع بسیاری از مشکلاتی که مردم به امید حل آنها به جناح دوم خرداد رای داده بودند.

## ایران نیازمند ثبات و وفاق

با سپری شدن یک‌دوره تقریباً بی‌ثبات و ناهماهنگ سیاسی - فرهنگی در کشور که عملاً مدیریت اقتصادی را نیز متاثر ساخته بود، صرف‌نظر از جناح و فرد پیروز در انتخاب ریاست جمهوری آتی، کشور بیش از هر زمان نیازمند ثبات و وفاق ملی است. امروزه برای بسیاری، بطن هویت ملی ایرانیان روشن شده و ناکامی غرب در استحاله فرهنگی مردم این سرزمین مسلم است. در صورتی که مسئولان نظام با خلوص و درک صحیح قدر قیمت انقلاب اسلامی، و با کاربردن مدیریت علمی، توسعه و شکوفایی انقلاب را در همه حوزه‌ها در صدر اقداماتشان قرار دهند، می‌توان آینده‌ای روشن و توأم با موفقیت را پیش‌بینی نمود. ■

## پی‌نوشت‌ها

۱. پیام رهبر معظم انقلاب به ملت ایران در سوم خرداد ۱۳۷۶.
۲. صحنه زیبا و پرشوری که در روز جمعه دوم خرداد و در پای صندوق‌های رای آفریدید. حقیقتاً یک حماسه تاریخی بود.
۳. ر.ک. انتخاب هفتم، روزشمار هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری انتشارات همشهری و انتخاب نو، تحلیلهایی جامع‌شناسانه از واقعه دوم خرداد، انتشارات طرح نو و جلادی گفتار، نوشته محمدجواد غلامرضاکنلی، انتشارات موسسه فرهنگی آینده‌پویان.
۴. همان.
۵. رهبر معظم انقلاب ۷۸/۷۸، یک پدیده دیگر این بود که دشمنان این ملت، مارهای خزیده در سوراخها و فراریها را تشویق کردند که به میدان بیایند و در صحنه سیاسی کشور اظهار وجود کنند.
۶. ر.ک. عمادالدین باقی، تاریخخانه اشباح، از انتشارات طرح نو، به‌عنوان نمونه
۷. محمدعبدالله توری، در سال ۱۳۷۸ به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام و... محاکمه و روانه زندان شد.
۸. ر.ک. عمادالدین باقی، ترازوی دموکراسی در ایران، نشر نی، شهرام رفیع‌زاده، بازی قدرت - حسینیان و قتل‌های زنجیره‌ای، انتشارات آکنون و... به‌عنوان نمونه‌هایی از فعالیتهای رسانه‌های زنجیره‌ای در این رابطه.
۹. رهبر معظم انقلاب، هشتم مرداد ۱۳۷۸ درباره حادثه کوی دانشگاه، از مدتی پیش احساس می‌شد که مراکز عمده دشمنی با ملت ما، در انتظار حوادثی در ایران هستند؛ در حرف‌هایشان این معنا روشن بود. در سال گذشته، رئیس سازمان جاسوسی کشور آمریکا در گزارشی که برای خودشان تهیه کرده بود و داد، این طور گفت: در سال ۱۹۹۹ - یعنی همین سال جاری مسیحی - در ایران انتظار حوادثی را داریم که در این بیست سال گذشته یعنی از اول انقلاب تاکنون بی‌سابقه است.
۱۰. ر.ک. ترور سعید حجاریان به روایت خبرگذاری دانشجویان ایران، انتشارات همشهری.
۱۱. محسن کدیور از جمله عناصر فعال در زمینه تضعیف جایگاه ولایت فقیه در اسفند ۱۳۷۷ از سوی دادگاه ویژه روحانیت محکوم و روانه زندان شد.
۱۲. هاشم آقاچری عضو برجسته سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در تاریخ ۸/۱۷/۸۱ به خاطر سخنرانی موهن علیه مقدسات و تحقیر روحانیت شیعه به حکم دادگاه عازم زندان شد.
۱۳. ر.ک. مجله تخصصی قیسات، شماره ۱۴